

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال هجدهم / دوره جدید / شماره ۵۹ / بهار و تابستان ۱۴۰۲
صص ۱۳۴-۱۴۷ (مقاله علمی - پژوهشی)

مطالعه تطبیقی شرایط نشر حرمت ناشی از رضاع در فقه امامیه و فقه اهل سنت

• علی اکبر ربیعی

دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا دانشگاه شهید مطهری (نویسنده مسئول)
a.alirabiee@gmail.com

• احمد صابری مجد

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران
ahmad.saberimajd@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۲۳

چکیده

رضاع، به عنوان نهادی خاص در نشر حرمت، استثنایی بر جایز بودن نکاح است؛ به همین دلیل ضروری است حدود و شرایط آن مورد توجه قرار گیرد. این شرایط، هم در فقه امامیه و هم در فقه اهل سنت بیان شده است؛ با این تفاوت که رویکرد فقه امامیه بر سخت‌گیری تحقق رضاع و نشر حرمت ناشی از آن است و لازم است شرایط هفت‌گانه، به طور دقیق احراز شود، اما در فقه اهل سنت، تحقق رضاع با سهولت بیشتری ممکن تلقی شده است و حتی گاه، شرط سن یا مقدار شیر در احراز رضاع موضوعیت ندارد. در پژوهش حاضر، قول مشهور امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت با بیان مستندات از قرآن، روایات، اجماع و اصول عملیه، به روش توصیفی - تحلیلی بیان شده است، سپس تحلیل مناسبی همراه با تطبیق بین دیدگاه‌های فقه امامیه و فقه اهل سنت صورت گرفته است. نظر به اینکه حرمت ناشی از رضاع، محدود نیست و طیف گسترده‌ای از افراد را در روابط طولی و عرضی در بر می‌گیرد و به نوعی عارض بر اصل اولیه جواز و اباحه محسوب می‌شود، به نظر می‌رسد رویکرد موسع در تحقق رضاع، برخلاف اصل، مفاد روایات صحیح و تحلیل منطقی بوده، لازم است شرایط آن به دقت احراز شود.

کلیدواژه‌ها: رضاع، محارم، مرزعه، مرتضع، نشر حرمت.



مقدمه

محارم، کسانی هستند که ازدواج با آنان حرام است و در یک تقسیم‌بندی، به دو دسته محارم نسبی و سببی تقسیم می‌شوند. محرمیت سببی ممکن است به سبب رابطه نکاح یا به سبب رضاع حاصل شود. هر سه مورد محارم در آیات ۲۲ و ۲۳ سوره نساء بیان شده است. محرمیت به سبب رضاع، نوعی از محرمیت است که به سبب شیرخوردن طفل شیرخوار از یک زن حاصل می‌شود و در صورتی که شرایط آن رعایت شود، زنی که شیرخوار از وی شیر خورده است، مادر رضاعی نوزاد می‌شود؛ شوهر آن زن، پدر رضاعی طفل می‌شود؛ فرزندان آن زن، خواهر و برادر رضاعی طفل می‌شوند؛ برادر و خواهر زن، دایی و خاله رضاعی طفل و برادر و خواهر شوهر آن زن، عمو و عمه رضاعی آن طفل می‌شوند. این نشر حرمت، نسبت به پدر و مادر آن زن و شوهر، به عنوان جد و جدۀ رضاعی نیز ثابت می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۸۴). تمامی این احکام زمانی ایجاد می‌شود که شیرخوردن طفل از مادر رضاعی بر اساس شرایط آن صورت پذیرد و بدین ترتیب تا ابد محرمیت در بین اشخاص مذکور ایجاد می‌شود. بنابراین، محرمیتی که بین خویشاوندان نسبی وجود دارد، در صورت وجود شرایط رضاع نیز ایجاد می‌گردد.

مستند این مطلب از قرآن کریم، آیه ۲۳ سوره نساء است که می‌فرماید: «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ»: «ازدواج با مادران (رضاعی) که شما را شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما حرام است». همچنین روایات فراوانی که در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است، رضاع را موجب حرمت نکاح می‌داند. روایتی که زیاد نقل شده، از پیامبر (ص) است که می‌فرماید: «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۸۸۲؛ بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۳۵۹).

محرمیت رضاعی در گذشته به خاطر گرفتن دایه

برای کودکان، به دلایلی همچون نداشتن شیر مادر و یا حضور در بین قبایل بادیه‌نشین برای یادگیری لغت فصیح عربی، بیشتر از دوره کنونی مرسوم بوده است؛ البته در عصر حاضر نیز در برخی نواحی مثل روستاها و مناطق عشایری، این موضوع وجود دارد. در شهرهای بزرگ که به طور معمول افراد ارتباط چندانی با همسایه خود ندارند، از جهت دیگر این مسأله می‌تواند مورد توجه قرار گیرد و آن، مسأله فرزندخواندگی و پذیرش نوزادان از شیرخوارگاه است. زوجیهایی که صاحب فرزند نمی‌شوند، سرپرستی یک طفل را می‌پذیرند و مشکلی که برای آنان با بزرگ شدن طفل بروز می‌کند، بحث نامحرم بودن کودک به یکی از زوجین است که بسته به جنسیت کودک، به زوج یا زوجه نامحرم می‌شود. یکی از مواردی که برای حل این مشکل، وجود دارد، ایجاد محرمیت رضاعی است. بدین صورت که به عنوان مثال نوزادی که دختر بیچه است، از خواهر مردی که قصد پذیرش فرزندخواندگی دارد، شیر می‌خورد و در نتیجه، آن مرد دایی رضاعی آن طفل می‌شود و محرمیت حاصل می‌گردد.

بحث موانع و محرمات نکاح، در کتب فقهی مذاهب اسلامی بحث شده است. مقاله‌های جدیدی هم در این زمینه به نگارش درآمده است؛ از جمله مقاله «مصادیق حرمت ابدی ازدواج از دیدگاه فقه امامیه و زبیدی» (ساردوئی نسب و دیگران، ۱۳۹۴ش، ص ۸۲). در این مقاله، رضاع به صورت خاص مورد بحث نبوده است، بلکه به عنوان یکی از مصادیق حرمت نکاح به آن اشاره شده است. مقاله بعدی بحث محرمیت رضاعی را به صورت مقارنه بین فقه امامیه و حقوق موضوعه کشور مصر مورد بحث قرار داده است که در آن اقوال تمام مذاهب اسلامی بیان نشده است (انبارکی و دیگران، ۱۳۹۸ش، ص ۱۳).

در مقاله حاضر، نظرات مشهور و غیرمشهور فقهای امامیه و چهار مذهب فقهی اهل سنت یعنی مالکیه، حنفیه، شافعیه و حنابله، همراه با ادله تفصیلی هر کدام





در شرایط نشر حرمت رضاعی بیان می‌گردد. نظرات شاذ و غیرمشهور اهل سنت نیز مورد توجه است. جامعیت بحث و ذکر بیشتر اقوال و ادله تفصیلی مذاهب مختلف در مسأله رضاع، ویژگی و مقصود این مقاله است تا مقارنه و تطبیق کاملی بین همه نظرات صورت گیرد و با ادبیات منصفانه و تقریبی، نظرات بررسی شود و ضمن بیان اصل و استخراج دو رویکرد در میان اقوال مختلف، تحلیل مناسب و منطقی از مسأله رضاع مطرح شود.

مفهوم رضاع

رضاع در لغت از ماده رَضِعَ یا رَضَعَ که به معنی مکیدن و شیر خوردن از پستان مادر است، گرفته شده است (جوهری، بی تا، ج ۳، ص ۱۲۲۰). از همین ریشه، مُرَضِع یا مُرَضِعَةٌ زنی است که به بچه شیر می‌دهد و رَضِيع یا مُرْتَضِع، طفلی است که از مادر یا دایه خود شیر می‌خورد (حسینی زبیدی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۶۴). از ماده رَضَعَ که به باب افعال رفته، آیه ۲۳۳ سوره بقره است که می‌فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» (مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند). مقصود از رضاع نیز، نوعی از خویشاوندی سببی است که به سبب شیر خوردن، محرمیت حاصل می‌گردد و باعث حرمت نکاح می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۲۶). پس مفهوم لغوی رضاع با آنچه اصطلاحاً در فقه بحث می‌شود یکی است.

دیدگاه فقهای امامیه در مورد شرایط مرضعه

در مورد مرضعه، به وجود آمدن شیر از نکاح، باردار بودن یا فرزند داشتن و زنده بودن مرضعه به عنوان شرایط تحقق رضاع مطرح شده است.

۱. به وجود آمدن شیر به سبب نکاح

اولین شرط از شرایط مرضعه در حرمت رضاعی این است که شیر به سبب نکاح حاصل شده باشد و اگر

شیر در اثر زنا ایجاد شده باشد، این شیرخوارگی موجب حرمت نمی‌شود و بنا به ادعای برخی از فقهای امامیه این مسأله در بین امامیه اجماعی است (شهید ثانی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۰۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۱۲۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۲۶۴). برخی نیز آن را معروف می‌دانند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۲۸۹). اما بر اساس نقل علامه در مختلف، ابن جنید بر این باور بوده که اگر زنی با شیری که از طریق زنا حاصل شده است، طفلی را شیر دهد، این زن مرضعه، دختر، خواهر و مادر او، بر طفل مرتضع حرام می‌شوند. همچنین احوط این است که مرتضع با دختر، خواهر و مادر شخص زانی ازدواج نکند (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۳۹). وطی به شبهه حالت دیگری است که اکثر فقهای امامیه، آن را ملحق به نکاح کرده‌اند؛ از این جهت که اگر صدور شیر در اثر وطی به شبهه باشد، حرمت رضاعی ایجاد می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۸۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۱۲۸). اما ابن ادریس در این مسأله اظهار تردید کرده است (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۵۲).

ادله مشهور فقهای امامیه در اثبات شرط اول مرضعه، روایات، اجماع و اصل است. در میان روایات، استناد به این دو روایت، مهم است: «حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثَمِيِّ عَنِ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ امْرَأَةٍ دَرَّ لَبْنُهَا مِنْ غَيْرِ وِلَادَةٍ فَأَرْضَعَتْ جَارِيَةً وَ غَلَامًا بِذَلِكَ اللَّبَنِ هَلْ يَحْرُمُ بِذَلِكَ اللَّبَنِ مَا يَحْرُمُ مِنَ الرِّضَاعِ قَالَ: لَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۴۶). روایان آن، همگی توثیق شده‌اند؛ بنابراین از حیث سند اشکالی وجود ندارد (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص ۲۳۳). اما بحث اصلی، دلالت روایت است. پرسش این است که اگر شیر خود به خود به جوشش درآید در حالی که زایمانی صورت نگرفته است و با آن شیر به طفلی شیر داده شود، آیا حرمت رضاعی حاصل می‌شود؟ امام در جواب می‌فرماید: خیر. پس حتماً باید ولادتی

صورت گیرد. اما این ولادت ممکن است از نزدیکی حلال یا حرام باشد. پس از این روایت نمی‌توان برای اثبات مدعا استفاده کرد. روایت دوم، بدین قرار است: «عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ فِي حَدِيثٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرَ (ع) عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ فَسَرَّ لِي ذَلِكَ. فَقَالَ: كُلُّ امْرَأَةٍ أَرْضَعَتْ مِنْ لَبَنِ فَحَلْهَا وَلَدَ امْرَأَةٍ أُخْرَى مِنْ جَارِيَةٍ أَوْ غُلَامٍ فَذَلِكَ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَكُلُّ امْرَأَةٍ أَرْضَعَتْ مِنْ لَبَنِ فَحَلَيْنِ كَانَا لَهَا وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ مِنْ جَارِيَةٍ أَوْ غُلَامٍ فَإِنَّ ذَلِكَ رِضَاعٌ لَيْسَ بِالرِّضَاعِ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۸۸). استدلال به این حدیث اینگونه است که چون امام (ع) فرمود: «كُلُّ امْرَأَةٍ أَرْضَعَتْ مِنْ لَبَنِ فَحَلْهَا» و مقصود از فعل، زوج است، پس تنها در این حالت است که حرمت رضاعی حاصل می‌شود و با مفهوم حصر از این روایت استنباط می‌کنیم که غیر از این حالت را شامل نمی‌شود. ممکن است اشکال شود که ذیل روایت می‌گوید اگر زنی از شیر متعلق به شوهر اول به طفلی شیر دهد و طلاق بگیرد و با شخص دیگری ازدواج کند و با شیر متعلق به شوهر دوم به طفل دیگری شیر دهد، این دو طفل بر هم حرام نمی‌شوند. پس روایت می‌خواهد بگوید که متحد بودن فعل شرط است. اما این اشکال وارد نیست؛ زیرا ذیل روایت نیز بحث از فعل است و مقصود از فعل، زوجهای زن است: «فحلین کانا لها»، بنابراین صدر و ذیل روایت بحث ازدواج است و این روایت مثبت مدعای مشهور امامیه است.

دلیل دوم برای اثبات شرط مذکور، اجماع است و چنانچه دلالت روایات را تام ندانیم، اجماع مهمترین دلیل در این مسأله است. فقهای بزرگ شیعه همچون ابن ادریس در سرائر، علامه در تذکره، محقق کرکی در جامع المقاصد و فاضل هندی در کشف اللثام بر این امر ادعای اجماع کرده‌اند (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۲۰؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۱۵؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۰۴؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲،

ص ۲۷).

دلیل سوم، «اصالة الحلیة» است؛ یعنی اصل این است که نکاح جایز باشد و اصل عدم حرمت است، بنابراین تا زمانی که دلیل قاطعی مانع اجرای این اصل نباشد، همچنان به آن تمسک می‌شود. در این مسأله نیز در مورد اینکه نزدیکی حرام موجب حرمت می‌شود شک وجود دارد؛ پس در محل شک به اصل رجوع می‌شود. در اینجا ممکن است سوال شود که آیا اطلاق روایت «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» شامل وطی حرام نمی‌شود؟ در جواب برخی از فقها فرموده‌اند که این روایت، انصراف به غیر از وطی به حرام دارد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۲۹۰). اما اگر انصراف را نپذیریم، می‌گوییم قاعده «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» در مقام بیان شرایط رضاع محرم نیست، پس «اصالة الحلیة» باقی می‌ماند که در مقام شک به آن تمسک می‌کنیم.

۲. باردار بودن یا فرزند داشتن مرضعه

اگر شیر بدون بارداری یا وضع حمل، جریان یابد، نمی‌تواند موجب حرمت رضاعی شود؛ حتی اگر نزدیکی مشروع صورت پذیرفته باشد. این شرط، مورد اجماع فقهای امامیه است و مخالفی ندارد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۲۸۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۲۶۴). مستند روایی این دیدگاه در مستندات شرط اول ذکر شد. در این مسأله برخی از فقها شرط کرده‌اند که باید ولادت طفل صورت پذیرد و اگر در حال حمل، شیر بجوشد، این شیر موجب حرمت نمی‌شود. مستند این دیدگاه، علاوه بر روایت، «اصالة الحلیة» است. شیخ طوسی در الخلاف، ابن ادریس در سرائر، علامه در تحریر، و محقق کرکی در جامع المقاصد مطابق این نظر فتوا داده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۲۵؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۲۰؛ حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۹؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۰۴). اما محقق حلی در شرایع و شهید ثانی در مسالک،





ولادت را شرط نمی‌دانند. نظر دیگری از شیخ طوسی در المبسوط و از علامه در قواعد وجود دارد که مطابق قول دوم است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۸۲؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۳۱۰؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۹).

۳. زنده بودن مرضعه

سومین شرط در مورد زن مرضعه، زنده بودن وی است؛ پس اگر طفلی از زن مرده شیر بخورد، حرمت رضاعی ایجاد نمی‌شود. همچنین اگر طفلی چند بار در زمان حیات مرضعه شیر بخورد و بقیه حد نصاب، بعد از فوت مرضعه کامل شود، حرمت جاری نمی‌شود (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۰۴؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۱۲۸). این شرط در بین فقهای امامیه اجماعی است (نک: نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص ۲۳۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۲۶۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۸۶).

علاوه بر اجماع، اصل اباحه یا استصحاب بقای حلیت، دلالت بر عدم نشر حرمت رضاعی در فرض زنده نبودن مرضعه دارد. به این صورت که در جایی که شک داریم حرمت نکاح ایجاد شده است یا نه، می‌گوییم اصل حلیت نکاح است. پس چون در مورد مرضعه مرده شک داریم، اصل اباحه را جاری می‌کنیم. استصحاب باقی بودن حلیت نیز اینگونه است که قبل از شیرخوردن طفل از زن مرده، یقین به حلیت نکاح داشتیم و اکنون که شیر خورده است، شک می‌کنیم آیا حلیت از بین رفته یا نه؟ در نتیجه بقاء حلیت نکاح را استصحاب می‌کنیم (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۰۴؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۲۹۴).

دلیل سوم، استناد به این آیه شریفه است که می‌فرماید: «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ» (نساء، ۲۳). این آیه مرضعه مرده را شامل نمی‌شود؛ پس زن مرده، تحت عمومیت «وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ» (نساء، ۲۴) بوده، شیر وی موجب حرمت نمی‌شود (انصاری، ۱۴۱۵ق،

ص ۲۹۴). اما استناد به این آیه نمی‌تواند به عنوان دلیل بر مدعا واقع شود. زیرا در همه آیات و روایات باب رضاع، لفظ رضاع به صورت متعدی نیامده است تا بتوانیم بگوییم از ظاهر و اطلاق ادله می‌فهمیم که مباشرت زن مرضعه شرط حرمت است. مثلاً در روایات «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» رضاع به صورت متعدی نیامده است. پس دلیل سوم پذیرفته نمی‌شود؛ ولی به دو دلیل قبلی یعنی اجماع و اصالة الحلیة ایرادی وارد نیست.

دیدگاه فقهای امامیه در مورد شرایط مرتضع

برای مرتضع، شرط سن و دو شرط مربوط به نحوه شیر خوردن بیان شده است که در ادامه بررسی می‌شوند.

۱. محدوده سنی مرتضع

نسبت به مرتضع، شرط است که در موقع شیرخوردن، زیر دو سال قمری باشد و طفلی که بیش از دو سال قمری داشته باشد، حتی اگر مدت طولانی هم شیر بخورد، حرمت رضاعی حاصل نمی‌شود. حتی در فرضی که طفل شیرخوار چهارده دفعه قبل از تمام شدن دو سال شیر خورده باشد و دو سال او تمام شود و یک دفعه را بعد از دو سال شیر بخورد، حرمت ایجاد نمی‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۲۸). این مسأله چنانکه برخی از فقهای بزرگ امامیه نقل کرده‌اند، اجماعی است (نک: نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص ۲۵۰ و نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۲۹۶). علامه حلی بر این باور است که ابن ابی عقیل شیرخوارگی را شرط می‌داند (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۳۵). اما چنین ملاکی بین مشهور امامیه وجود ندارد و ملاک همان دو سالگی مرتضع است. در خصوص شرط بودن شیرخوردن قبل از دو سالگی قمری، علاوه بر اجماع و اصل به آیه و روایات زیر نیز استناد شده است:

آیه ۲۳۳ سوره بقره می‌فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ»:

«مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند». مفهوم آیه این است که بعد از دو سال، دیگر رضاع نیست و زمانی که اصل موضوع شیر خوردن منتفی شود، حکم رضاع که حرمت نکاح باشد نیز منتفی می‌گردد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۰۰). یکی از روایاتی که مستند این شرط است، صحیحه حلبی از امام صادق (ع) است که می‌فرماید: «لارضاع بعد فطام» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۸۵). این روایت از حیث سندی، صحیح بوده، اشکال سندی ندارد (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۳۸۲). اما مقصود از فطام به معنی از شیر گرفتن، دو سالگی است یا هر موقعی که طفل را از شیر بگیرند، مثلاً حتی اگر در سن یک سالگی باشد. با توجه به روایات دیگر این باب که در ادامه می‌آید، منظور دو سالگی است. مرسله شیخ مفید در مقنعه از رسول خدا (ص) که فرمودند: «لارضاع بعد فطام» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۰۳). از نظر سند، این روایت مرسله است و سند در روایت ذکر نشده است؛ اما از نظر دلالتی مثل روایت قبلی است. روایت سوم، روایت حماد بن عثمان اشست: «قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: لَارْضَاعَ بَعْدَ فِطَامٍ. قُلْتُ: وَ مَا الْفِطَامُ؟ قَالَ: الْحَوْلَيْنِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۸۵). در این روایت، راوی از امام (ع) سوال می‌کند که مقصود از فطام چیست و امام به صراحت فطام را به دو سال تفسیر می‌کند.

نسبت به فرزند نسبی زنی که شیر می‌دهد، چنین شرطی معتبر نیست. یعنی اگر فرزند زن مرضعه بیش از دو سال سن داشته باشد، اما مرتضع زیر دو سال باشد، با شیر خوردن مرتضع از این زن، حرمت حاصل می‌شود و مشهور در بین فقهای امامیه این است که شرط بودن سن دو سال، تنها مربوط به مرتضع است (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص ۲۵۲). در رابطه با این مطلب برخی از فقها، ادعای اجماع کرده‌اند (ابن

ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۱۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۱۴۶). اما قول مخالفی در بین فقهای امامیه وجود دارد، چنانکه ابوالصلاح حلبی و ابن حمزه، دو سال را هم در مرتضع و هم در فرزند زن مرضعه شرط می‌دانند (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۸۵؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۱). مشهور فقهای امامیه که محدوده سنی دو سال را در فرزند زن مرضعه شرط نمی‌دانند، به عمومات باب، اصل استصحاب و اجماع تمسک کرده‌اند. استدلال به عمومات اینگونه است که آیه شریفه: «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ» (نساء، ۲۳) عام است و هیچ قیدی در رابطه با فرزند مرضعه ندارد. پس با استناد به عدم وجود قید در آیه، می‌گوییم محدوده سنی دو سال در فرزند زن مرضعه شرط نیست و اگر از وضع حمل زن مرضعه، بیش از دو سال گذشته باشد و طفلی از وی شیر بخورد، حرمت رضاعی حاصل می‌شود (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۳۸۴).

استناد به اصل استصحاب اینگونه است: زمانی که از وضع حمل مرضعه کمتر از دو سال گذشته بود، اگر مرضعه به مرتضع شیر می‌داد، حرمت رضاعی ایجاد می‌شد، اینک که بیش از دو سال از زمان وضع حمل او گذشته است، شک می‌کنیم اگر به طفل مرتضع شیر دهد حرمت حاصل می‌شود یا نه؛ در این هنگام استصحاب بقاء حکم حرمت می‌شود (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۲۲). برخی از فقها ادعای اجماع کرده‌اند که سن دو سال مربوط به فرزند زن مرضعه نیست (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۱۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۱۴۶)؛ در مقابل، فقهایی که به رعایت محدوده سنی دو سال در فرزند مرضعه هم باور دارند، به عمومیت حدیث «لارضاع بعد فطام» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۸۵) استناد می‌کنند که در این روایت نکره در سیاق نفی، مفید عموم است؛ در نتیجه، شامل مرتضع و فرزند مرضعه می‌شود، پس هیچ‌کدام نباید از شیر گرفته





شده باشند و محدوده فطام و از شیر گرفته شدن، طبق فرموده امام صادق(ع)، دو سالگی است که در آیه ۲۳۳ بقره آمده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۸۵). این استدلال اشکال دارد؛ زیرا ظاهر روایت مذکور این است که رضاع و فطام مربوط به یک شخص است، یعنی متبادر به ذهن این است که همان مرتضع که از مرضعه شیر می خورد، نباید از شیر گرفته شده باشد. دلیل دیگر قول مخالف مشهور، اصل اباحه است. به این صورت که اگر شک کنیم حرمت نکاح ایجاد شده یا نه، می گوئیم اصل، حلیت نکاح است. پس چون در مورد تأثیر شیر مرضعه‌ای که فرزند او بیش از دو سال دارد شک داریم، اصل اباحه را جاری می‌کنیم (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۱۴۱). جواب آن، این است که اصل مذکور با عمومات معارض است و نوبت به اصل نمی‌رسد. پس عمومات باب رضاع مقدم می‌شوند، یعنی دو سال مربوط به فرزند زن مرضعه نیست (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۱۴۱).

۲. مکیدن مستقیم شیر

شرط دوم نسبت به مرتضع این است که شیر به شکل مستقیم مکیده شود و اگر شیر را در حلق نوزاد بریزند یا شیر دوشیده شده را در شیشه ریخته و به شیرخواره بدهند، حرمت حاصل نمی‌شود. اکثر فقهای امامیه مکیدن مستقیم شیر را شرط ایجاد حرمت دانسته‌اند (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۳۸؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۲۹۳). هر چند اجماع، محتمل است (نک: نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص ۲۵۸). اما تحقق اجماع، دشوار است؛ زیرا برخی مخالف مشهور فتوا داده‌اند (نک: حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۳۸؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۲۹۴؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۲۹۶). فقهای امامیه برای این شرط، به آیه ۲۳ سوره نساء تمسک کرده‌اند که می‌فرماید: «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ» و به موجب آن، تحقق رضاع، به خوردن مستقیم شیر وابسته است. همچنین هرگاه دلیلی نباشد، اصل بر

حلال بودن و عدم حرمت است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۰۱).

۳. متوالی بودن شیرخوردن از یک زن

توالی شیرخوردن در صورتی به هم می‌خورد که بین دفعات شیر خوردن، نوزاد از زن دیگری شیر بخورد؛ پس اگر در بین دفعات شیر خوردن، غذا یا آب یا حتی شیر از غیرستان بخورد، پیوسته بودن در شیر خوردن به هم نمی‌خورد و اشکالی ایجاد نمی‌شود (شهید ثانی، ۱۴۳۴ق، ج ۳، ص ۱۸۹). برای به وجود آمدن رضاع بین دو طفل مرتضع، شرط است که هر دو طفل از شیر متعلق به یک صاحب لبن بخورند. به عنوان مثال، اگر یک طفل از زن مرضعه شیر بخورد و بعد این زن از شوهرش طلاق بگیرد و با شخص دیگری ازدواج کند و به سبب نکاح شوهر دوم صاحب شیر شود، و طفل دیگری از این زن شیر بخورد، در این صورت این دو طفل مرتضع با هم رابطه رضاعی ندارند. همچنین حالت دیگری را می‌توان تصور کرد که یک مرد چند همسر دارد و چند طفل مرتضع از هر کدام از زنان او پانزده دفعه کامل شیر بخورند؛ در این حالت بین همه طفل‌ها رابطه اخوت برقرار می‌شود. زیرا صاحب لبن یک شخص است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۲۸؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۲۲). ادله فقهای امامیه برای اثبات این شرط از روایات، خبر موثق از زیاد بن سوقه است که می‌گوید به امام صادق(ع) عرض کردم آیا رضاع حدی دارد که به آن عمل شود؛ امام(ع) فرمودند: «لَا يُحَرِّمُ الرَّضَاعُ أَقَلَّ مِنْ يَوْمٍ وَ لَيْلَةً أَوْ خَمْسَ عَشْرَةَ رَضْعَةً مُتَوَالِيَاتٍ مِنْ امْرَأَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ لَبَنٍ فَحَلَّ وَاحِدٍ لَمْ يَفْصِلْ بَيْنَهَا رَضْعَةً امْرَأَةً غَيْرِهَا. الحدیث» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۷۴). همچنین برخی از فقها بر این مطلب ادعای اجماع کرده‌اند که نباید در بین دفعات شیر خوردن، مرتضع از زن دیگری شیر بخورد (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص ۲۶۲؛ حسینی روحانی،

۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۳۷۸).

دیدگاه فقهای امامیه در مورد مقدار شیر

در صورتی حرمت رضاعی ایجاد می‌شود که طفل شیرخوار مقدار مشخصی شیر بخورد. برای این امر سه معیار بیان شده است: معیار اول، معیار اثری است؛ یعنی باید در اثر خوردن شیر، گوشت بروید و استخوان سخت شود. معیار دوم، معیار زمانی است که به موجب آن در مدت یک شبانه روز هر موقع طفل نیاز به شیر داشت از شیر مادر رضاعی بخورد. معیار سوم، معیار عددی است که به موجب آن طفل مرتضع باید پانزده مرتبه کامل و به صورت متوالی از مادر رضاعی شیر بخورد.

۳. معیار عددی

به اجماع فقهای امامیه، اگر طفل پانزده دفعه متوالی به طور کامل شیر بخورد، حرمت رضاعی حاصل می‌شود. اما اگر کمتر از پانزده دفعه شیر بخورد، نسبت به ده دفعه شیر خوردن دو قول وجود دارد. قول اول، عدم نشر حرمت در ده مرتبه شیر خوردن است. قول دوم، این است که با ده دفعه شیر خوردن حرمت حاصل می‌شود و فقهایی که تعداد آنها کم نیست، به این دیدگاه باور دارند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۰۲؛ ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۸۵؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵۱؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۹۰؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۱؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۳۰؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۴۷؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۱۷۷). نسبت به عدم نشر حرمت در کمتر از ده مرتبه، اجماع وجود دارد و تنها ابن جنید با آن مخالف است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۹۵). ابن جنید می‌گوید: «هر مقداری که عنوان شیر خوردن بر آن صدق کند، یعنی به مقداری بخورد که معده او از شیر پر شود، موجب حرمت نکاح می‌شود» (نک: حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۳۰). قول مشهور در بین متأخرین و معاصرین امامیه، پانزده مرتبه شیر خوردن است (مکارم شیرازی،

۱. معیار اثری

مشهور فقهای امامیه هر دو اثر یعنی رویش گوشت و سخت شدن استخوان را با هم ذکر کرده‌اند، اما ظاهر عبارت برخی، کفایت وجود یکی از آن دو است (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۱۷۷). در صورت باور به وجود تلازم بین آن دو، بیان این دو اثر با هم برای تأکید است و اگر فقیهی به بیان یکی از دو اثر اکتفا کند، مخالف مشهور فتوا نداده است. در خصوص اشتراط این شرط، روایات متعددی وجود دارد (نک: حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، صص ۳۷۷ و ۳۷۴ و ۳۳۸)؛ علاوه بر آن، به اجماع نیز استناد شده است (نک: طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۹۷؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۳۰۱).

۲. معیار زمانی

بنا به نظر مشهور امامیه، اگر طفل مرتضع به مدت یک شبانه روز از مادر رضاعی شیر بخورد، به گونه‌ای که هر زمان درخواست شیر کند به او شیر بدهد و به طور کامل شیر بخورد تا زمانی که خودش از شیر خوردن دست بکشد، حرمت رضاعی حاصل می‌شود. برخی از فقهای امامیه ادعای اجماع کرده‌اند که شیر خوردن در





۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۳۹).

در مورد اینکه هر یک از این سه، معیار مستقلی است، اختلاف نظر است. دیدگاه اول فقهای امامیه این است که هر کدام به تنهایی یک معیار محسوب می‌شوند (شهید ثانی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۲۲). دیدگاه دوم این است که اصل عدد است و دو معیار اثری و زمانی در صورتی به کار می‌روند که امکان ضبط عدد وجود نداشته باشد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۲۹۲؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۲۰). دیدگاه سوم، اصلی بودن معیار اثری است و به دلیل دشوار بودن تشخیص آن (شهید ثانی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۲۳)، دو معیار زمانی و عددی به عنوان اماره برای فهم اثر قرار داده شده است (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۱۳۴؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۳۰۳).

فقهایی که پانزده مرتبه شیر خوردن را در نشر حرمت رضاعی لازم می‌دانند به روایات (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، صص ۳۷۴ و ۳۷۵) استناد کرده‌اند. در مقابل، فقهایی که ده مرتبه شیر خوردن را کافی می‌دانند به روایاتی دیگر استناد کرده‌اند. از جمله، روایتی که در سند آن، «محمد بن سنان» است که اکثر علمای علم رجال او را ضعیف می‌دانند (شهید ثانی، ۱۴۳۴ق، ج ۳، ص ۱۸۷). از نظر دلالت، این روایت حرمت رضاع را منحصر در سه گروه، یعنی زنی که مجبور شده است شیر دهد، یا خادم و یا دایه می‌داند، در حالی که اگر زنی به صورت تبرعی نیز شیر دهد کفایت می‌کند و حرمت رضاعی حاصل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۴۰). روایت دوم: «عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) [إِلَى أَنْ قَالَ] فَمَا الَّذِي يُحْرِمُ مِنَ الرِّضَاعِ فَقَالَ: مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَ الدَّمُ؛ فَقُلْتُ: وَ مَا الَّذِي يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ الدَّمُ فَقَالَ: كَانَ يُقَالُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ؛ قُلْتُ فَهَلْ يُحْرِمُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ فَقَالَ: دَعْ ذَا وَ قَالَ: مَا يُحْرِمُ مِنَ النَّسَبِ فَهُوَ مَا يُحْرِمُ مِنَ الرِّضَاعِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۳۹). این روایت صحیح است و اشکال سندی ندارد (شهید ثانی، ۱۴۳۴ق، ج ۳،

ص ۱۸۷). مشکل اساسی آن، این است که زمانی که راوی از امام سوال می‌کند که چه چیز موجب اثبات لحم و دم می‌شود، امام جواب می‌دهد: «گفته می‌شود ده مرتبه». اگر واقعاً ده مرتبه موجب نشر حرمت می‌شد، امام از طرف خودش می‌گفت، نه اینکه آن را به دیگران نسبت دهد. این مطلب از ادامه روایت نیز فهمیده می‌شود؛ زیرا راوی چون متوجه می‌شود که این جواب، مختار امام نیست، دوباره می‌پرسد: آیا ده مرتبه موجب حرمت می‌شود؟ و امام پاسخ می‌دهد: این مطلب را رها کن. حال آنکه اگر مطلب صحیح بود، امام پاسخ مثبت می‌داد، نه اینکه سخن دیگری بگوید. پس همه این مطالب دلالت بر وجود مصلحتی مثل تقیه دارد (طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۳، ص ۱۹۴). نتیجه اینکه روایات ده مرتبه توان مقابله با روایات پانزده مرتبه را ندارند.

دیدگاه فقهای اهل سنت در مورد شرایط مرضعه
در مورد شیر مرضعه، فقهای اهل سنت معتقدند شیر به هر سببی که حاصل شود حتی اگر از زنا باشد، موجب نشر حرمت رضاعی می‌شود و نزدیکی شرعی را شرط نشر حرمت رضاعی نمی‌دانند (حصینی، ۱۹۹۴م، ج ۲، ص ۸۵؛ ابن قدامه، ۱۹۶۸م، ج ۹، ص ۲۰۷).
فقهای اهل سنت، باور ندارند که باید مرضعه صاحب حمل یا صاحب ولد باشد؛ بنابراین اگر شیر، خود به خود جریان یابد و طفلی از آن شیر بخورد، احکام رضاع بار می‌شود. یکی از فقهای اهل سنت تصریح می‌کند: شیر مرضعه از هر طریقی حاصل شود، موجب نشر حرمت رضاعی می‌شود؛ حتی اگر از صغیره یا یائسه باشد (ابن رشد، ۲۰۰۴م، ج ۲، ص ۳۱).
مذاهب اهل سنت، به طور معمول، زنده بودن مرضعه را در زمان شیردادن شرط نمی‌دانند و معتقدند در صورتی که طفلی از زن مرده شیر بخورد احکام حرمت رضاعی حاصل می‌شود. در بین اهل سنت، امام ابوحنیفه و امام مالک حیات مرضعه را شرط نمی‌دانند

(کاسانی، ۱۹۸۶م، ج ۴، ص ۸). ولی امام شافعی نظر فقهای امامیه را دارد و معتقد است حیات مرضعه، شرط ایجاد حرمت رضاعی است. همچنین یکی از دو نظر امام احمد بن حنبل، مطابق نظر فقهای امامیه است (ابن محاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۴۳؛ ابن قدامه، ۱۹۶۸م، ج ۹، ص ۱۹۸).

مستند عدم باور به لزوم شروط مذکور، اطلاعات و عموماً باب رضاع است. می‌گویند دلایل ایجاد حرمت رضاعی مثل آیه «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ» (نساء، ۲۳)، و روایت نبوی «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۳۵۹) مطلق است و شامل تمام موارد می‌شود؛ پس تفاوتی نمی‌کند که شیر به سبب نزدیکی شرعی باشد یا به سبب زنا؛ یا اینکه شیر به سبب وضع حمل ایجاد گردد یا خود به خود جوشش کند؛ یا مرضعه در حال شیردادن در قید حیات باشد و یا از دنیا رفته باشد. در تمام این حالات چنانچه طفل شیر بخورد و به مقدار حد نصاب برسد، حرمت رضاعی حاصل می‌شود و عموماً باب، تمام این حالات را در بر می‌گیرد. بنابراین چون دلیلی نداریم که قید بزنی، به عموماً تمسک می‌کنیم (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۹؛ سرخسی، ۱۴۲۱ق، ج ۳۱، ص ۱۳؛ ابن رشد، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۸۹؛ ابن محاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۴۳؛ مقدسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۹۱).

دیدگاه فقهای اهل سنت در مورد شرایط مرتضع

در میان فقهای مذاهب اهل سنت، امام شافعی و امام احمد بن حنبل، مطابق نظر امامیه فتوا داده‌اند و دو سالگی در مورد مرتضع را شرط ایجاد حرمت می‌دانند (محاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۱۲؛ ابن قدامه، ۱۹۶۸م، ج ۹، ص ۲۰۲). ابوحنیفه حداکثر مدت را دو سال و نیم می‌داند، یعنی ۳۰ ماه تمام که تا این سن اگر طفل شیر بخورد، حرمت رضاعی حاصل می‌شود

(کاسانی، ۱۹۸۶م، ج ۴، ص ۶). برخی از اهل سنت، سن ۱۵ سال و ۴۰ سال را نیز مطرح کرده‌اند که تا این سن، امکان نشر حرمت رضاعی وجود دارد. مسأله رضاع کبیر قول دیگری است که مطرح شده و مطابق آن، در مورد سن مرتضع، حدی برای رضاع محرم وجود ندارد (کاسانی، ۱۹۸۶م، ج ۴، ص ۶؛ ابن قدامه، ۱۹۶۸م، ج ۹، ص ۲۰۲).

دلیل امام ابوحنیفه که معتقد است تا مدت سی ماهگی اگر طفل شیر بخورد، حرمت حاصل می‌شود، آیه ۱۵ سوره احقاف است که می‌فرماید: «وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»: دوران حمل و از شیر بازگرفتن طفل، سی ماه است. وجه استدلال به آیه چنین است که خداوند دو مورد حمل و فصال را ذکر کرده است و برای هر دو، زمان سی ماه را بیان فرموده است؛ پس زمان هر کدام از این دو سی ماه است. اما مدت حمل از این حد خارج می‌شود. زیرا اجماع وجود دارد که حداکثر مدت حمل سی ماه نیست و طبق نظر امام ابوحنیفه حداکثر مدت حمل دو سال است. ولی مدت زمانی که برای فصال و از شیرگرفتن در آیه بیان شده است، همچنان به مقتضای آیه باقی می‌ماند. یعنی زمان از شیرگرفتن، سی ماه است (ابن مودود، ۱۳۵۶ق، ج ۳، ص ۱۱۷).

قول رضاع کبیر، بحثی است که عامه علما و مذاهب اهل سنت و عامه صحابه آن را نپذیرفته‌اند؛ جز آنچه از امامان مومنین عایشه نقل شده است که قائل شده به اینکه در کودکی یا بزرگسالی، حرمت رضاعی حاصل می‌شود. مستند این قول ظاهر آیه «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ» (نساء، ۲۳) است، که آیه بین حالت طفولیت و بزرگسالی فرقی قائل نشده است (کاسانی، ۱۹۸۶م، ج ۴، ص ۲). همچنین روایتی نقل شده است که ابوحنیفه، شخصی به نام سالم را به فرزندی گرفت و سالم به خانه آنها رفت و آمد داشت و با سهله همسر ابوحنیفه نامحرم بود. این مطلب را سهله به پیامبر (ص) خبر داد و پیامبر به





سهله امر کرد که به سالم شیر دهد (مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۰۷۶).

بیشتر فقهای اهل سنت بر این باورند که مکیدن مستقیم شیر، شرط حرمت نیست و اگر شیر به دهان طفل ریخته شود، حرمت رضاعی حاصل می‌گردد و تمام ملاک را در این می‌دانند که شیر به هر طریقی که امکان دارد، به درون شکم طفل برسد (زهري غمراوی، بی‌تا، ص ۴۶۰). ولی در بین اهل سنت داود بن علی بن خلف رئیس مذهب ظاهری، نظری موافق امامیه دارد و مکیدن مستقیم شیر را شرط حرمت می‌داند (ابن قدامه، ۱۹۶۸م، ج ۹، ص ۱۹۶). دلیل مشهور فقهای اهل سنت، روایت ابن مسعود از پیامبر (ص) است که فرمود: «لارضاع الا ما شد العظم و ائت اللحم». با این استدلال که تمام العلة در نشر حرمت، اشتداد عظم و انبات لحم است و تفاوتی ندارد که شیر چگونه به درون شکم طفل منتقل شود (ابن رشد، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۴۶۸؛ ماوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص ۳۵۵؛ ابن قدامه، ۱۹۶۸م، ج ۹، ص ۱۹۲). اشکال استدلال این است که این قیاس مستنبط العلة است، نه منصوص العلة و اگر انبات لحم و اشتداد عظم تمام العلة باشد، موارد دیگری مثل دو سال در مورد مرتضع و حیات مرضعه را نباید شرط دانست. پس روشن می‌شود که انبات لحم جزء العلة است و نمی‌توان با استدلال به این روایت، مکیدن مستقیم شیر را شرط ندانست.

فقهای اهل سنت بر این باورند که اگر بین دفعات شیر خوردن، مرتضع از زن دیگری شیر بخورد، به ایجاد حرمت خللی وارد نمی‌شود (مقدسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۰۳). مطابق نظر امام ابوحنیفه و امام مالک، با یکبار شیر خوردن حرمت رضاعی حاصل می‌شود. بنابراین طبق این دو مذهب، بحث از متوالی بودن شیر خوردن از یک زن منتفی است. امام شافعی نیز مسأله را موکول به عرف کرده است؛ یعنی اگر عرف بگوید که این طفل پنج بار شیر خورده است، حرمت حاصل

می‌شود و تفاوتی ندارد که بین دفعات شیر خوردن از زن دیگری هم شیر بخورد یا نه (مقدسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۰۳).

دیدگاه فقهای اهل سنت در مورد مقدار شیر
فقهای اهل سنت تنها معیار عددی را ذکر کرده‌اند و صحبتی از معیار اثری و زمانی نکرده‌اند. امام ابوحنیفه و امام مالک یک بار شیر خوردن، بلکه حتی یک قطره شیر خوردن را موجب حرمت می‌دانند (کاسانی، ۱۹۸۶م، ج ۴، ص ۷؛ خطیب شربینی، ۱۹۹۴م، ج ۳، ص ۴۱۶). نظر امام شافعی و امام احمد بن حنبل این است که با پنج دفعه شیر خوردن، حرمت حاصل می‌شود و کمتر از آن موجب حرمت نکاح نمی‌شود (ابن قدامه، ۱۹۶۸م، ج ۹، ص ۱۹۳). دلیل قول امام ابوحنیفه و امام مالک، ظاهر آیه «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّن الرِّضَاعَةِ» (نساء، ۲۳) است و ظاهر آیه این است که شامل یک دفعه شیر خوردن هم می‌شود و چون مخصصی نداریم که از آن دست برداریم، پس به عمومیت آیه تمسک می‌کنیم (عینی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۵۶؛ ابن رشد، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۹۴).

امام شافعی و امام احمد بن حنبل برای اثبات قول خود، به روایت ام‌المؤمنین عایشه استناد کرده‌اند: «در آنچه از قرآن نازل شد، این مطلب بود که با ده مرتبه شیر خوردن حرمت رضاعی حاصل می‌شود. سپس آیات آن نسخ شد و به جای آن، پنج دفعه شیر خوردن نازل شد و رسول خدا (ص) رحلت فرمود در حالی که آیات پنج بار در قرآن بود و قرائت می‌شد» (مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۰۷۵) و این قول را مبنای پنج بار برای ایجاد حرمت رضاعی قرار داده‌اند (ابن قدامه، ۱۹۶۸م، ج ۹، ص ۱۹۲؛ شیرازی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۴۱). اما این قول از سوی حنفیه و مالکیه پذیرفته نشده است (ابن رشد، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۹۵).

نتیجه‌گیری

از نظر فقه امامیه، اصل پذیرفته شده در نکاح همچون سایر ابواب فقهی، بر اباحه است و مسأله رضاع بر خلاف اصل اباحه است؛ زیرا با تحقق شرایط آن، جواز نکاح از بین می‌رود و جای آن را حرمت می‌گیرد. مذاهب فقهی اهل سنت در پذیرش اصل اباحه در نکاح و بر خلاف اصل بودن رضاع، با مذهب امامیه اتفاق نظر دارند؛ اما تفاوت در شرایط تحقق رضاع است. رویکرد کلی فقه امامیه بر سخت‌گیری و محدود کردن موارد تحقق رضاع است؛ زیرا هر جا شک در وقوع رضاع دارند، بنابر استصحاب بقاء حلیت یا اصل اباحه، همچنان حکم به حلیت نکاح و عدم وقوع رضاع می‌کنند. در مقابل، رویکرد کلی فقهی اهل سنت بر آسان‌گیری تحقق رضاع بوده، اکثر شروطی که در فقه امامیه مطرح شده است را نپذیرفته‌اند. به بیان دیگر، از سه شرطی که برای مرضعه بیان شده است، فقط مذهب

شافعی یکی از آنها یعنی شرط زنده بودن را پذیرفته و دو شرط دیگر را نپذیرفته است. اما سایر مذاهب اهل سنت، هیچ کدام از سه شرط را نپذیرفته‌اند. شبیه این حالت در شرایط مرتضع نیز وجود دارد، که دو شرط مرتضع به طور کلی مورد قبول هیچ کدام از مذاهب اهل سنت واقع نشده است و فقط در شرط محدوده سنی دو سال، اشتراکاتی وجود دارد. نسبت به شرط هفتم یعنی مقدار شیر نیز اختلاف دیدگاه وجود دارد. نظرات اهل سنت بر یک یا پنج دفعه شیر خوردن است، اما امامیه ده یا پانزده مرتبه شیر خوردن را ملاک می‌دانند. بنابراین در مسأله بررسی شده، دو رویکرد وجود دارد: یکی رویکرد موسع است که نظر فقهی اهل سنت است و دیگری رویکرد مضیق است که نظر فقهی امامیه است. با توجه به برخلاف اصل بودن رضاع که استثنایی است بر اصالة الاباحه، رویکرد دوم منطقی است.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابن‌ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق).
السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن‌براج، عبدالعزیز بن نحریر (۱۴۰۶ق). المهذب. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن‌حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸ق). الوسیلة الی نیل الفضیلة. قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
- ابن‌رشد، محمد بن احمد (۱۴۰۸ق). البیان و التحصیل. بیروت: دارالغرب الإسلامی.
- ابن‌عابدین، محمدامین بن عمر (۱۴۱۲ق). رد المحتار علی الدر المختار. بیروت: دارالفکر.
- ابن‌قدامه، عبدالله بن احمد (۱۹۶۸م). المغنی. قاهره: مکتبة القاهرة.
- ابن‌محاملی، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق). اللباب فی الفقه الشافعی. مدینه: دارالبخاری.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
- ابن‌مودود، عبدالله بن محمود (۱۳۵۶ق). الاختیار لتعلیل المختار. قاهره: مطبعة الحلبي.
- ابوالصلاح حلبی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین (۱۴۰۳ق). الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع).
- انبارکی، سهراب، ملایکه، سید محمدحسین، و ایزدی، حسین (۱۳۹۸ش). بررسی تطبیقی حرمت نکاح با محارم رضاعی از منظر فقه امامیه و قانون احوال شخصیة مصر. فقه و تاریخ تمدن، ۵(۴)، ۱۳-۲۳.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵ق). کتاب النکاح. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم





- انصاری.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ق). صحیح البخاری. قاهره: لجنة إحياء كتب السنة.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- حسینی روحانی، سید محمد صادق (۱۴۱۲ق). فقه الصادق (ع). قم: مدرسه امام صادق (ع).
- حسینی زبیدی، محمد بن محمد (بی تا). تاج العروس. بیروت: دارالفکر.
- حصینی، ابوبکر بن محمد (۱۹۹۴م). کفایة الأخیار. دمشق: دارالخیر.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- همو (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- همو (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خطیب شریینی، محمد بن احمد (۱۹۹۴م). معنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- زهری غمراوی، محمد (بی تا). السراج الوهاج علی متن المنهاج. بیروت: دارالمعرفة.
- ساردویی نسب، محمد، نعیمی، طاهره سادات، و خادمی، مریم (۱۳۹۴ش). واکاوی تطبیقی حرمت های ابدی ازدواج در فقه امامیه و زبیدی با رویکرد حقوقی. فقه مقارن، ۳(۵)، ۸۱-۱۰۸.
- سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). المبسوط. بیروت: دارالفکر.
- سلار دیلمی، حمزة بن عبدالعزیز (۱۴۰۴ق). المراسم فی الفقه الإمامی. قم: منشورات الحرمین.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق). اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة. بیروت: دارالتراث.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۳۴ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- همو (۱۴۱۹ق). مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴ش). تهذیب الأحکام. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- همو (۱۴۰۷ق). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- همو (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الامامیة. تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- شیرازی، ابراهیم بن علی (بی تا). المهذب فی فقه الإمام الشافعی. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- طباطبایی، سید علی بن محمد علی (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- عینی، محمود بن احمد (۱۴۲۰ق). البناية شرح الهدایة. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: اسماعیلیان.
- کاسانی، ابوبکر بن مسعود (۱۹۸۶م). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- ماوردی، علی بن محمد (۱۴۱۹ق). الحاوی الکبیر. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعیلیان.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). جامع

- المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت (ع) - مكارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق). كتاب النكاح. قم: لإحياء التراث.
- مسلم بن حجاج نيشابورى (۱۴۱۲ق). صحيح - نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الكلام فى مسلم. قاهره: دارالحديث.
- مفيد، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). المقنعة. قم: دفتر الشريعة فى أحكام الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع) انتشارات اسلامى.
- مقدسى، عبدالرحمن بن محمد (بى تا). الشرح الكبير. لإحياء التراث. بيروت: دارالكتاب العربى.

